

## طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد

زهرا فرضی زاده\*

تاریخ دریافت: ۲۵ تیر ۱۳۹۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۳۹۳

### چکیده

گروه جمعیتی متشکل از دختران مجرد در برخی نواحی روستایی کشور پدید آمده است که به دلیل عدم ازدواج، در معرض طرد اجتماعی قرار گرفته‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی فرایند موجد طرد اجتماعی دختران روستایی در اجتماع محلی، وضعیت کنونی‌شان و پیامدهای طرد اجتماعی آن‌ها است. بررسی حاضر با روش پژوهش کیفی در روستای چکوچه‌پشت و نواحی کوهستانی گن‌گله‌واه و دوران در شهرستان رضوانشهر انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته فردی و برای تحلیل اطلاعات از روش نظریه بنیانی استفاده شده است. نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز، تحقیرآمیز و ترحم‌سایرین؛ گسترش شایعات؛ تبعیض؛ وابستگی؛ شرمساری؛ سرزنش؛ احساس تنهایی؛ ترس؛ انتظار؛ رنج؛ بیماری جسمی؛ افسردگی؛ و نگرانی درباره آینده، برخی مسائل دختران مذکور است. انزوا، ضعف روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره خانواده و خویشاوندان؛ عدم حضور در اجتماع به منظور شرکت در مراسم، اشتغال، یادگیری مهارت و گذران اوقات فراغت از پیامدهای وضعیت فوق است.

**کلیدواژه‌ها:** دختران روستایی، مجرد، نهادهای غیررسمی، طرد اجتماعی، انزوا.

---

\* استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). farzizade@ut.ac.ir

**Journal of Rural Development**

**Editor-in-Chief:** Dr. Mehdi Taleb      **Director:** Dr. Younes Nourbakhsh

**Managing Editor:** Hassan Bakhshizadeh      **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

**Copyright:** Faculty of Social Sciences, University of Tehran

**ISSN:** 2008-8981      **Website:** www.jrd.ut.ac.ir      **Email:** jrd@ut.ac.ir

## مقدمه و طرح مسأله

ایده طرد اجتماعی، پس از انتشار کتاب پیتر تاونزند<sup>۱</sup> با عنوان «فقر در انگلستان»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۹ متداول گردید (لویتاس، ۲۰۰۸: ۳۱۴ و ۳۱۶). تاونزند در بسط رویکردش درباره فقر نسبی آگاه بود که برای حفظ استاندارد متداول زندگی، صرفاً برخورداری از درآمد بسیار زیاد کافی نیست. وی متوجه شد که سلامت، شرایط مسکن و شرایط کار نیز بر استانداردهای زندگی تأثیر می‌گذارد و عواملی فراتر از میزان درآمد جاری، تعیین‌کننده وضعیت مؤلفه‌های فوق است. تاونزند در کتاب یادشده، درباره سایر ابعاد محرومیت بحث کرده است. رویکرد تاونزند در نیمه دهه ۱۹۸۰ در کتاب «طرد فقرا» نیز مورد حمایت قرار گرفت و در آن، بر طرد از فعالیتهای اجتماعی به عنوان مؤلفه مهم فقر تأکید گردید. در سال ۱۹۹۷ نیز مرکز پژوهشی با عنوان مرکز تحلیل طرد اجتماعی<sup>۳</sup> در دانشگاه ال اس ای انگلستان تأسیس شد. پژوهش‌گران مرکز پژوهشی فوق در بسط ایده طرد، آن را عدم مشارکت در فعالیتهای اجتماعی بسیار مهم مانند مصرف (خرید کالاها و خدمات)؛ تولید (مشارکت در فعالیتهای ارزشمند اجتماعی و اقتصادی)؛ مشارکت سیاسی (مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی و ملی) و تعامل اجتماعی (با خانواده، دوستان و اجتماعات) دانستند (الکاک، ۲۰۱۲: ۱۸۲-۱۸۳).

پژوهش‌گران مختلف در آثار خود برخی از انواع گروه‌های طردشده را نام برده‌اند. افراد مسن، افراد دارای معلولیت، افراد ناسازگار در اجتماع، والدین ناتوان از تأمین نیازهای خانواده، افراد تنها و منزوی، افراد مستعد خودکشی، الکلی‌ها و معتادها برخی از گروه‌های طردشده هستند (لونوار به نقل از زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۱). پدیده‌های دیگری مانند نژادپرستی و بیکاری نیز موجب طرد عده‌ای از انسان‌ها (اقلیت‌های قومی، مذهبی، نژادی، و بیکارها) می‌شود. به اعتقاد زیبرا، در حوزه بسیار خصوصی روابط خانوادگی و زناشویی نیز با معیارهایی امکان دسته‌بندی افراد در گروه‌های هنجار و نابهنجار فراهم است: از جمله سن متوسط ازدواج، سن متوسط اولین فرزند، تعداد متوسط فرزندان (زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۲ و ۲۱).

1 Peter townsend

2 Poverty in the united kingdom

3 Center for the Analysis of Social Exclusion (CASE)

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

همان‌طور که زیبرا بیان کرده است، انواع مختلفی از طرد به صورت آشکار و پنهان وجود دارد که در نوع پنهان آن، طردشدگان، شکل غایب یا رؤیت‌ناپذیر دارند. طرد موفق، آن‌طور که تعریف شده است، درک نمی‌شود، زیرا گروه طردشده را آنقدر از دنیای ذهنی و مرزهای مکانی ما دور نگه می‌دارد که خارج از دسترس، دید و دایره فکر ما بماند. درست مانند بیگان‌های که تا وقتی دور است، باعث مزاحمت ما نمی‌شود. در واقع، برخی اشکال جمعی طرد، حتی در بطن جامعه خاص خود، جایگاه و هیچ تعریفی ندارند، گویی اصلاً وجود ندارند. بنابراین، اشکال گوناگون طرد وجود دارد که بعضی دیده نمی‌شود، ولی احساس می‌گردد، برخی دیگر رؤیت می‌شود، اما کسی درباره آن صحبت نمی‌کند و برخی اشکال، کاملاً پنهان است و ما حتی وجود آن‌ها را حدس نمی‌زنیم و لفظ و واژه‌ای مناسب برای تعیین و نشان دادن آن نداریم (زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵).

هنوز گروه‌هایی وجود دارند که سایرین از طرد آن‌ها مطلع نیستند. بنابراین، وضعیت آن‌ها بررسی نشده است. در پژوهشی درباره موانع رشد توانمندی دختران و زنان روستایی (فرضی‌زاده، ۱۳۹۲)، یکی از گروه‌های مورد بررسی، دختران روستایی مجرد (۳۰ سال و بیشتر) بود. اما آن‌ها به ندرت تمایل به مصاحبه داشتند. حتی برخی از آن‌ها از ملاقات با نگارنده امتناع کردند و هیچ‌گاه دیده نشدند. برخی از اهالی محلی درباره انزوا و کناره‌گیری آن‌ها از اجتماع محلی سخن می‌گفتند. آن‌ها به ندرت در مراسم مشاهده می‌شدند. در گفتگوهای غیررسمی از دختران یادشده برای عبرت دختران نوجوان مجرد یاد می‌شد. وضعیت آن‌ها از دید دیگران بسیار نامطلوب و رنج‌آور تلقی می‌شد. برخی نیز با ترحم درباره آن‌ها سخن می‌گفتند. با توجه به مسائل مذکور که بیانگر برخی ابعاد طرد آن‌ها از اجتماع محلی بود، بررسی و کنکاش بیشتر درباره وضعیت آن‌ها اهمیت یافت. بدین ترتیب، پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از: چه فرایندی به طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد (۳۰ سال و بیشتر) از اجتماع محلی انجامیده است؟ وضعیت کنونی دختران یادشده به چه صورت است؟ روابط سایر افراد جامعه با آن‌ها به چه نحو است؟ و پیامدهای طرد آن‌ها از اجتماع محلی چیست؟

تحلیل چگونگی تجربه طرد اجتماعی در انسان‌ها، جنبه‌های مختلف طرد و پیامدهای آن در حوزه امور توسعه‌ای و سیاست‌گذاری اجتماعی ضرورت دارد. مداخلاتی که برای حل مسائل اجتماعی مرتبط با طرد تدوین می‌شود، باید مبتنی بر فهم چگونگی و چرایی طرد اجتماعی باشد، اینکه افراد در

چه شرایطی دچار طرد می‌شوند، چگونه طرد را تجربه می‌کنند و چگونه طرد بر کل دوران زندگی آنها تأثیر می‌گذارد.

## ادبیات موضوع

طرد اجتماعی، از هم‌گسیختگی پیوندهای اجتماعی میان فرد و جامعه است (سیلور، ۲۰۰۸: ۳۰۲). طرد اجتماعی بیانگر روش‌هایی است که طی آنها افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگتر محروم می‌شوند. مفهوم طرد اجتماعی توجه ما را به طیف وسیعی از عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثر جمعیت است، باز می‌دارد. طرد اجتماعی می‌تواند چندین شکل داشته باشد. برای مثال، اجتماعات روستایی دورافتاده‌ای که به خدمات و فرصت‌های زیادی دسترسی ندارند یا محله‌های فقیر درون شهری که نرخ جرم در آنها بالا است و خانه‌ها زیر سطح استانداردها، ممکن است نمونه‌هایی از طرد اجتماعی باشند. طرد و جذب را می‌توان به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار داد. طرد از بازار کار، طرد به لحاظ مصرف و الگوهای مصرف، بی‌خانمانی، طرد از مشارکت سیاسی، عدم دسترسی به تسهیلات فراغتی و تفریحی، محدودیت و ضعف شبکه اجتماعی و غیره بیانگر طرد اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۴۶۶ و ۴۶۸).

طرد اجتماعی می‌تواند برای هر فردی اتفاق بیفتد. اما برخی افراد در مقایسه با سایرین به میزان بسیار بیشتری در معرض آن قرار دارند. افرادی با پیشینه خاص به میزان بسیار بیشتری از طرد اجتماعی آسیب می‌بینند. عوامل مخاطره‌آمیز اصلی که افراد را در معرض طرد اجتماعی قرار می‌دهد، عبارت است از درآمد کم، تضاد خانوادگی، مشکلاتی در مدرسه، زندانی شدن، تعلق به اقلیت قومی خاصی، زندگی در محله‌های محروم شهر و نواحی روستایی، مشکلاتی به لحاظ سلامت روان، سن و معلولیت. برای مثال، افرادی که در خانواده‌های با درآمد کم پرورش می‌یابند، بیشتر احتمال دارد که در آینده بیکار باشند، یا اوقاتی را در زندان سپری کنند. بچه‌هایی که از اختلاف‌ها و تنش‌های خانوادگی آسیب دیدند، بیشتر در معرض خطر بی‌خانمانی، دزدی و فرار، اعمال خلاف و مصرف مواد مخدر هستند. برخی افراد مسن نیز در معرض طرد اجتماعی قرار دارند. بسیاری از آنها در معرض ابتلا به فقر و تبعیض‌های شغلی قرار دارند و فقدان تحرک افراد مسن می‌تواند مانع مشارکت آنها در

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

فعالیت‌های اجتماعی شود و به شکل‌گیری روحیه ضعیف، افسردگی و تنهایی در آن‌ها بینجامد (واحد طرد اجتماعی، ۲۰۰۸: ۳۳۵-۳۳۷).

همه گروه‌های طردشده، تفاوتی را احساس می‌کنند. ظاهراً این تفاوت‌ها که در هر دوره و با اشکال متعدد آشکار می‌شود، مسئول اصلی همه رفتارهای مربوط به طرد احتمالی است. آنچه این تفاوت را تعریف می‌کند، حول و حوش ارزش‌های خلاف عقیده عموم شکل می‌گیرد. با این ارزش‌ها یا این تصورات از دنیا است که در نهایت، این گروه‌ها طرد می‌شوند، خواه خودشان از دنیایی که در آن جایگاهی ندارند، کناره بگیرند، خواه دیگران آن‌ها را به دلیل عدم قابلیت و پذیرش ایده‌هایشان طرد کنند (زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۳).

طرد اجتماعی می‌تواند به فقر، ضعف دانش و مهارت، عدم مشارکت در اجتماع و زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه منجر شود (شبان، ۲۰۱۱: ۱۱۷). مهم‌ترین ویژگی طرد اجتماعی این است که مسائلی مانند بیکاری، ضعف مهارت‌ها، درآمدهای کم، مسکن نامناسب، جرم، وضعیت نامطلوب سلامت و فروپاشی خانواده - که از ابعاد آن است - به هم پیوند می‌یابند و به نحو متقابلی یکدیگر را تقویت می‌کنند و می‌توانند با هم ترکیب شوند تا چرخه باطلی را ایجاد کنند که با سرعت پیش می‌رود (واحد طرد اجتماعی، ۲۰۰۸: ۳۳۳).

پژوهش‌های مختلفی درباره طرد اجتماعی انجام شده است. در برخی پژوهش‌ها طرد اجتماعی در دوران کودکی (آبرامز و کیلن، ۲۰۱۴؛ بنت، ۲۰۱۴)، طرد اجتماعی اقلیت‌ها (پاکی و برایان، ۲۰۱۴)، طرد مهاجران (مانیلا و روتر، ۲۰۰۹؛ بینگ و چای، ۲۰۱۰؛ لایتمن و گود گینگریچ، ۲۰۱۲)، کهنسالان (چن، ۲۰۱۳)، افراد دارای معلولیت، روستاییان و غیره مورد بررسی قرار گرفته است. در برخی پژوهش‌ها رابطه طرد اجتماعی و فقر بررسی شده است. ابایا کی (۲۰۱۰: ۵) با بررسی ابعاد مختلف فقر و طرد اجتماعی مانند فقر درآمدی، محرمیت مادی، طرد از خدمات عمومی، فقدان روابط اجتماعی، و مسکن نامناسب نتیجه گرفت جمعیت آسیب‌پذیر به لحاظ طرد اجتماعی، لزوماً به لحاظ فقر درآمدی آسیب‌پذیر نیست. همچنین عدم محرومیت‌ها در مراحل اولیه زندگی بر برخی جنبه‌های طرد اجتماعی در زمان کنونی تأثیر می‌گذارد. بایرام و همکاران (۲۰۱۲: ۳۷۵) نیز در بررسی اثر فقر و

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

رضایت از زندگی بر طرد اجتماعی نتیجه گرفتند که مردم فقیر، افراد با رضایت کمتر از زندگی و افراد جوان، خودشان را به لحاظ اجتماعی طرد شده می‌دانند.

پاچمن و همکاران (۲۰۱۳: ۲۹) نیز در پژوهشی طولی، زمان و شیوع ازدواج و تشکیل خانواده و تولد فرزندان را شاخص‌های ادغام اجتماعی مهاجران در آنور<sup>۱</sup> و استکهلم در نظر گرفتند و فرض کردند اشخاصی که قادر به یافتن همسر، ازدواج، تشکیل خانواده و داشتن فرزند نیستند، به لحاظ اجتماعی مطرودند.

غفاری و امیدی (۱۳۸۹) در پژوهشی، نحوه چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه طرد اجتماعی را به لحاظ تاریخی و با روش اسنادی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش، جایگزینی مفهومی طرد اجتماعی به جای فقر بر این استدلال استوار است که مفهوم طرد اجتماعی، مفهومی پویا است که بیانگر فرایندها و نیز موقعیت‌های حاصل از آن است و طیفی را تشکیل می‌دهد که از ابعاد چندگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برخوردار است و گزینه مناسبی برای بررسی تغییرات ساختاری محسوب می‌شود. این مفهوم به صورت مناسب‌تری، خصلت چندبعدی سازوکارهایی را آشکار می‌کند که به موجب آن، افراد و گروه‌ها از مبادلات اجتماعی، فعالیت‌ها و حقوق سازنده همبستگی و هویت اجتماعی دور می‌مانند و عموماً از طریق تأکید بر مخاطرات حاصل از شکاف‌های موجود در بافت اجتماعی، اموری فراتر از نابرابری اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. طرد اجتماعی، امروزه با ارزش‌ها و عقاید مختلفی ارتباط یافته است و برای تبیین آن از پارادایم‌های مختلفی مانند پارادایم همبستگی، تخصصی شدن و انحصار استفاده شده است. بر اساس پارادایم‌های مذکور، طرد اجتماعی مفهومی پیچیده و چندوجهی است که به افراد و جوامع مربوط می‌شود و بر مسائل نوظهور اجتماعی مانند جهانی‌سازی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن و فرایندهایی متمرکز است که به طرد و انزوای افراد، گروه‌های اجتماعی یا نواحی می‌انجامد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹: ۳۷).

فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ الف: ۱۴۳) در پژوهشی، طرد از شبکه‌های حمایتی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و نیز شرمساری را در بین زنان سرپرست خانوار بررسی کردند. به اعتقاد

---

1 Antwerp

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

آن‌ها طرد و محرومیت انباشتی زنان به موقعیت کنونی آن‌ها بر نمی‌گردد، بلکه به گونه‌ای فرایندی با پیشینه، ویژگی‌های فردی، ساختار خویشاوندی، فقر مزمن و بین‌نسلی و با برخی وقایع خاص مرتبط است. در ضمن، عوامل اجتماعی و فرهنگی متعددی در طرد زنان از جریان اصلی اجتماع نقش دارد که می‌تواند فرصت خروج از فقر و محرومیت را برای آن‌ها دشوار کند.

فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹: ب: ۹۳) در پژوهشی دیگر به بررسی تفاوت میزان طرد در میان گروه‌های زنان سرپرست خانوار بر حسب اشتغال و نوع اقامت آن‌ها پرداختند. به اعتقاد آن‌ها زنان فقیر از حمایت درون‌گروهی قوی‌تری برخوردارند و در فعالیتهای اجتماعی غیررسمی، مشارکتی فعال‌تر نسبت به هم‌تایان مهاجر خود دارند. زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل، از شبکه حمایتی بین‌گروهی قوی‌تر و ناهمگون‌تری برخوردارند و فعالیت اقتصادی آن‌ها، شعاع حمایتی گسترده‌تر و منابع حمایتی بیشتری را برای آن‌ها فراهم کرده است.

صدیق سروسستانی و نصراصفهان‌ی (۱۳۸۹: ۱-۱۶) نیز در پژوهشی با عنوان «اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن خوابی در شهر تهران» نتیجه گرفتند که سه عامل اعتیاد به مواد مخدر، ناتوانی‌های جسمی و روانی و عدم تطابق با محیط پس از مهاجرت، از عوامل تسهیل‌کننده ورود افراد به مسیر بی‌خانمانی است و عوامل مذکور همراه با پیشینه‌ای از محرومیت‌های اجتماعی می‌تواند موجب گسست فرد از اجتماع شود.

برخی بررسی‌های روانشناختی نیز درباره طرد انجام شده است (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بیرامی و کورانه، ۱۳۹۱؛ یزدخواستی و قاسمی، ۱۳۸۹). برای مثال، ارشدی و همکاران (۱۳۹۱) نتیجه گرفتند که ادراک طردشدگی در محیط کار با رفتارهای انحرافی سازمانی و رفتارهای انحرافی بین‌فردی رابطه مثبت دارد.

تا به حال در هیچ پژوهشی در ایران، طرد اجتماعی ناشی از مجرد مورد بررسی قرار نگرفته است و این تفاوت مهم بررسی حاضر با سایر پژوهش‌های پیشین است. در ضمن، در بررسی حاضر علاوه بر مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته، از مشاهده مشارکتی و زندگی با دختران مذکور به نحوی همدلانه، برای پی بردن به لایه‌های پنهان طرد اجتماعی استفاده شده است.

## روش پژوهش

در بررسی حاضر، روش پژوهش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه مورد بررسی، روستای چکوپه‌پشت و نواحی کوهستانی (گن‌گله‌وا و دوران) در شهرستان رضوانشهر است. برخی ساکنان روستا در ماه‌های گرم سال در نواحی کوهستانی فوق‌زندگی می‌کنند. با استخراج ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ساکنان روستای فوق‌از اطلاعات موجود در خانه بهداشت، به وجود دختران مجرد (۳۰ سال و بیشتر) پی برده شد. در طی چهار ماه زندگی و در طی گفتگوهای غیرمستقیم<sup>۱</sup> با دختران و زنان روستایی در جامعه مذکور، به تدریج موقعیت مکانی مسکن دختران فوق‌شناسایی گردید. آن‌ها به دلایلی که در بخش یافته‌های پژوهش بیان خواهد شد، چندان به حضور در اجتماع، تعامل با غریبه‌ها و دیده شدن گرایش نداشتند. برخی از آن‌ها به دلیل شرم ناشی از مجرد، تمایلی به صحبت با نگارنده نداشتند و برخی حتی اجازه ندادند نگارنده با آن‌ها ملاقات داشته باشد. بخشی از اطلاعات بررسی حاضر با مشاهده مشارکتی طولانی‌مدت در جامعه و دوستی و تعامل مستمر با سه تن از دختران مذکور حاصل شده است. چندین بار حضور در منازل آن‌ها (بعد از شکل‌گیری اعتماد) به مناسبت‌های مختلف (احوال‌پرسی، مشاهده نحوه انجام امور کشاورزی، دعوت به مهمانی)، همراهی با آن‌ها در مراسمی مانند سفره‌های نذری، مراسم عزاداری در ماه محرم و صفر، امامزاده، اعیاد، بازار و غیره فرصت‌هایی را برای صمیمیت بیشتر با آن‌ها، شنیدن ناگفته‌های آن‌ها، پی بردن به وضعیت زندگی، و نحوه تعامل سایرین با آن‌ها پدید آورد. با مشاهده مشارکتی در موقعیت‌های فوق، به برخی مسائل طرد مانند تبعیض سایرین به گروه طردشده؛ نگاه‌های ترحم‌آمیز، سرزنش‌آمیز، متعجبانه؛ نجوهای درگوشی سایرین در مراسم و غیره پی برده شد؛ مسائلی که به ندرت بر زبان جاری می‌شود. در واقع، برای بررسی چنین موضوعاتی که لایه‌های پنهان فراوانی دارد؛ با عزت نفس افراد مرتبط است؛ و جامعه درباره آن حساسیت ویژه‌ای دارد، ارتباط نزدیک و مستمر با نمونه‌های مورد بررسی، زندگی با آن‌ها و کسب تدریجی و غیرمستقیم اطلاعات در حین تعامل ضرورت دارد.

۱. نگارنده برای بررسی موانع رشد توانمندی دختران و زنان روستایی به جامعه یادشده مراجعه کرده بود. در حین مطالعه موضوع فوق، به طرد اجتماعی دختران مجرد نیز پی برده شد. بنابراین بررسی درباره این موضوع در زمان مذکور و نیز در مراجعه بعدی به روستا به صورت کاملاً تدریجی و غیرمستقیم ادامه یافت.



طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

علاوه بر این، در مصاحبه‌های نیمه‌سازمان یافته فردی، از سایر دختران و زنان روستایی (شانزده نفر) نیز حین پرسش درباره موضوعاتی دیگر، درباره وضعیت دختران مذکور پرسش شده است. در واقع، هیچ‌گاه به‌طور مستقیم درباره مجرد دختران و پیامدهای ناشی از آن پرسش نشده است. بلکه ابتدا همواره پرسش‌هایی دیگر درباره موضوعاتی دیگر مطرح شده و در نیمه بحث، وضعیت دختران مجرد مورد بررسی قرار گرفته است. حساسیت جامعه درباره مجرد و نامطلوب دانستن آن، مشاهده مشارکتی و پرسش تدریجی و غیرمستقیم درباره موضوع، آن هم در لوای موضوعات دیگر را ایجاب می‌کرد تا بدین ترتیب، ادامه بررسی در جامعه با مشکل و مقاومت مواجه نشود. اطلاعات فوق با روش نظریه بنیانی تحلیل شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

شماره	سن	سواد	وضعیت تأهل	تعداد مصاحبه
۱	۵۵	بی‌سواد	متأهل	۱
۲	۲۳	لیسانس	مجرد	۱
۳	۲۰	فوق دیپلم	مجرد	۱
۴	۱۶	اول دبیرستان	مجرد	۲
۵	۱۶	اول دبیرستان	مجرد	۱
۶	۱۷	اول دبیرستان	مجرد	۲
۷	۴۳	راهنمایی	متأهل	۱
۸	۵۲	دوم ابتدایی	متأهل	۲
۹	۲۱	دیپلم	متأهل	۱
۱۰	۴۲	لیسانس	متأهل	۲
۱۱	۲۲	لیسانس	مجرد	۲
۱۲	۴۳	پنجم	مجرد	۲
۱۳	۴۶	دوم دبیرستان	متأهل	۱
۱۴	۲۷	اول دبیرستان	مجرد	۱
۱۵	۳۳	پنجم	متأهل	۱
۱۶	۳۳	سیکل	متأهل	۲

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

## یافته‌های پژوهش

در جامعه مورد بررسی، برخی دختران مجرد (۳۰ سال و بیشتر) زندگی می‌کنند. آن‌ها به دلیل عدم ازدواج طرد شده‌اند و با مسائلی مواجه هستند. برخی از مسائل آن‌ها در خصوص دختران مجرد واقع در سنین ۲۰ - ۳۰ سال نیز صادق است. زیرا معیار سنی مورد قبول جامعه برای ازدواج، حداکثر ۲۰ سال است و دختران ۲۰-۳۰ سال نیز به نوعی در معرض طرد قرار دارند.

همان‌طور که زیبرا نیز بیان کرده است، برای تعریف طرد باید محیط مرجعی که باعث پیدایش این طرد شده است و نیز اشکال مختلف طرد را توضیح داد (زیبرا، ۱۳۸۵: ۲۰). بنابراین، ابتدا پس از توضیح مختصر درباره محیط جامعه و فرایند موجد طرد اجتماعی در آن، وضعیت کنونی طردشدگان، روابط سایر افراد جامعه با آن‌ها و پیامدهای احساس طرد اجتماعی در بین گروه مذکور تحلیل می‌گردد.

## فرایند موجد طرد اجتماعی

ارزشمندی و اولویت بسیار ازدواج در جامعه مذکور، به نحوی است که خانواده و اقوام، از سنین سیزده، چهارده سالگی، به‌طور مستمر بر ازدواج تأکید می‌کنند. برخی افراد به‌ویژه در گروه مسن و میانسال، باورهایی درباره پیامدهای مثبت ازدواج زودهنگام دارند. آن‌ها معتقدند ازدواج دختران در سنین کم (۱۳، ۱۴، ۱۵ سالگی) به سلامتی (جسمی، روحی، عاطفی، اخلاقی) آن‌ها می‌انجامد. به اعتقاد آن‌ها، دختر کم‌سن و سال، از طراوت بیشتری برخوردار است؛ به لحاظ فکری رشدیافته است؛ حرف‌شنوی بیشتری دارد؛ و به آسانی می‌توان طوری به تربیت او پرداخت که به لحاظ فکری، اخلاقی و رویه زندگی<sup>۱</sup>، کاملاً به خانواده همسر شباهت یابد. بنابراین، میزان بروز اختلاف در چنین خانواده‌هایی کاهش می‌یابد و میزان سازش دختران کم‌سن و سال با همسر و خانواده‌اش بیشتر است.

۱ مهم‌ترین جنبه آن، خانه‌داری، انجام فعالیت‌های زراعی و دامی، مطابق با سلیقه خانواده همسر است. اکثر زوجین در سال‌های اول زندگی، در خانواده گسترده زندگی می‌کنند و انطباق با رویه زندگی خانواده همسر و حرف‌شنوی، بسیار اهمیت دارد.

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

به اعتقاد آنها، به دلیل رشد همزمان زن و مرد - که در سنین کم ازدواج کرده‌اند - همسانی فکری آنها بیشتر است، در نتیجه اختلاف‌های کمتری میان آنها پدید می‌آید.

«من دوازده سالگی ازدواج کردم، سیزده سالگی بچه زاییدم، هیچ ناراحتی نداشتیم، ایرادی نداره، اتفاقاً سالم‌تره. خیلی بهترین هم عقل رشد کرده، هم حرف گوش می‌کنه، کامل، هم اینکه بچه طبیعی و سالم‌تر. در زایمان خوب، در شوهرداری، در کارخانه خوب، سیزده، چهارده سالگی بهتر» (۱). «با خانواده آنها میره جلو، اختلاف بین‌شان ایجاد نمیشه» (۲). «زندگی را راحت می‌گیرند، با بچه، با زندگی، با خواهر، با برادر، غذا، اختلاف ندارند» (۱).

نگرانی والدین از نبود فرصت‌هایی برای ازدواج دختران در آینده، از دلایل دیگر تأکید بر ازدواج در سنین نوجوانی است. افرادی که فرزند دختر دارند، فشار اجتماعی فراوانی را متحمل می‌شوند. آنها نگران گسترش حرف‌ها و شایعات درباره دختران هستند. آنها طعنه‌های دیگران درباره عدم ازدواج دختران و حرف‌های مردم درباره عبور و مرور دختران به منظور یادگیری مهارت، تحصیل و اشتغال را بی‌آبرویی تلقی می‌کنند. والدین به منظور اجتناب از پیدایش این وضعیت، به ازدواج سریع‌تر دختر (در مواردی حتی اجباری) در سنین کم تمایل دارند و تا زمان ازدواج او، محدودیت‌هایی را در خصوص خروج از خانه اعمال می‌کنند تا احتمال بیان این قبیل حرف‌ها کاهش یابد.

«چون [سن] دختر از پانزده سالگی که میره بالا، میگن دختر من می‌مانه دیگه. برای همین میگن زود ازدواج کن» (۴)، (۵). «اینقدر اینجا پشت سر ما حرف می‌زنند. (۶)، میگن این دختر خوب نیست (۵)، دختر فلانی، با یکی حرف می‌زنه (۴)، در حالی که اصلاً حرف نمی‌زنه‌ها، حرف در میارن. به خاطر همین می‌خواهند دختر زودتر از سر خودشان رد کنند تا ننگن دختر فلانی اینجور (۴)، زن‌ها یک کلاغ، چهل کلاغ می‌کنند (۵)، یا مثلاً [زن‌ها] با هم دعوا می‌کنند یا با هم بحث می‌کنند میگن آه ببین خدا چطور سرش میاره، دخترش مونده تو خون، این حرف‌ها را بهش می‌زنند. به خاطر همین، دختر یک کم بزرگ میشه، میخوان زودتر از سر خودشان باز کنند (۴). «یکی که بیست سالش میشه، میگن دختر مردم ترشیده شده» (۹). «این حرف‌ها روی پدر و مادرها تأثیر می‌گذاره، به همین خاطر، بعضی‌هاشون میگن ازدواج کن با فلانی، حتی اگر سنش کم باشه» (۴). «خدا نترسند، حرف ناحق می‌زنند، حرف ناحق مثل اینکه میگه آب اینجا ریخت، بعد نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آب که نریخته، همین جا هست» (۲). «بعضی‌ها هستند که نمی‌خواستند ازدواج کنند، به اجبار خانواده شوهر کردند» (۵).

در ضمن، والدین گمان می‌کنند با بیان پاسخ منفی به خواستگار، ممکن است خواستگار از دختر کینه به دل گیرد؛ آبروی دختر را با بیان حرف‌هایی غیرواقعی به خطر بیندازد؛ ضعفی را به او نسبت دهد یا اینکه مردم شایعاتی را درباره دختر بگویند.

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

«مثلاً دختر خواستگار داره، ماما باباش دختر نمیدن، [خواستگار] پشت سر آن دختر حرف می‌زنند. [میگن] دختر خوبی نیست، بابا و مامانش مشکل دارن، دوست پسر داره، بیرون میره باهاش، در حالی که اصلاً این طور نیست» (۶). «پسری که جواب رد شنید، دشمن من است، دشمن من میشه، [می‌گوید] چرا دخترت به من ندادی، دشمن تراشی می‌شود، می‌ترسم به خدا، خدایا دخترم دشمن داره. آبروی دخترم را بدار. جواب رد به خواستگار گناه است» (۱).

نگرانی خانواده‌ها از اینکه دختران‌شان نیز به وضعیت دختران مذکور دچار شوند؛ نگرانی از افزایش سن دختران؛ نگرانی از انحراف دختر (بی‌آبرویی)؛ تمایل فراوان جامعه برای ازدواج با دختران نوجوان؛ تمایل فراوان برخی دختران نوجوان برای ازدواج، ضعف مالی خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر، همگی از عوامل مؤثر بر ازدواج دختران در سنین نوجوانی است.

«تا وقتی درس می‌خوانه میگن مشغول درس، اما اگر ترک تحصیل کرد، باید سریع ازدواج کنه، اگر مدت زیاد بگذره، میگن معلوم نیست دختر تا حالا سالم مانده یا نه» (۸). «میگن اگر دختر بمانه، به چیزهای بد فکر میکنه، به راه‌های بد کشیده میشه، از [سن] هفده که بگذره، بیشتر اینطوری فکر می‌کنند» (۴)، (۶)... پسرها هم نظرشان این‌که با جوان‌ترها ازدواج کنند. مثلاً پسری که ۳۵ سالش، میگه من حتماً باید دختری را بگیرم که ۲۰ به پایین باشه» (۴). «این نگرانی هست که می‌میخواد آن را بگیره، یک وقت منحرف نشن، آبروریزی نشه» (۱۰). «... رفته بود دختر شانزده ساله برای برادرش در نظر گرفته بود. آخر سر دختر بیست و دو ساله برایش گرفت» (۱۲). «اینجا پسر چهل ساله هست که دختر بیست ساله گرفته، مثلاً یکی میخواد بره خواستگاری، می‌پرسه دختر چند سالش، میگن بیست و دو سال. میگه اوه بیست و دو سال، این که دیگه پیر شده» (۸). «خانواده‌ای بود که دخترش [چهارده ساله] می‌خواست ازدواج کنه، ولی پدر و مادر گفتند نه، زود، بعد دختر گفت یا من به اون میدین یا باهاش میرم [فرار می‌کنم]، بعد خانواده‌اش چاره‌ای نداشتند، دختر دادند به پسر» (۱۱). «ازدواج دخترها تو سن کم، تو این نوع خانواده‌ها [تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی] بیشتر. چون این خانواده‌ها به لحاظ مالی بیشتر در مضیقه هستند، دخترانشان فکر می‌کنند با ازدواج مشکلات‌شان حل میشه، می‌توانند لباس‌هایی که دوست دارند بخرند، دیگه نمی‌دانند بعد ازدواج، یک سری مسائل دیگه پیش میاد، مسئولیت زندگی میفته روی دوشانشان».

در وضعیتی که به دلایل فوق، در جامعه بر ازدواج دختران در سنین قبل از ۱۷، ۱۸ سالگی تأکید می‌شود، عده‌ای به دلایلی ازدواج نکرده‌اند و سن آن‌ها به ۳۰ سال و بیشتر رسیده است. گاهی آن‌ها به دلیل نبود خواستگاری مقبول، ازدواج نکرده‌اند که مهاجرت پسران روستا به شهر برای کار از عمده‌ترین دلایل آن است. در حال حاضر نیز در روستای مذکور و نواحی روستایی اطراف، برخی پسران، در سال سوم راهنمایی یا سال اول یا دوم دبیرستان ترک تحصیل می‌کنند و برای کار به شهرهایی مانند تهران، قزوین، کرج و غیره می‌روند.

طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

گاهی تحصیل دختران در مقطع دبیرستان یا یادگیری مهارتی خاص به منظور اشتغال که همگی مستلزم ورود به شهر بوده، موجب عدم ازدواج آن‌ها شده است. در زمان‌های گذشته -یعنی زمان نوجوانی و آغاز جوانی دختران فوق- خروج دختر از روستا و مراجعه به شهر به منظور ادامه تحصیل یا یادگیری مهارت شغلی، بسیار ناپسند بوده است. بدیهی است که در چنین شرایطی، دید نامطلوبی به دختران فوق وجود داشته و شایعاتی نیز درباره آن‌ها بیان شده است.

عامل مؤثر دیگر بر عدم ازدواج آن‌ها، افزایش سن -و گذر از معیار مقبول جامعه یعنی ۱۴، ۱۵ سالگی- بوده است. در پانزده یا بیست سال گذشته و قبل آن، معیار سنی مورد قبول جامعه ۱۳، ۱۴ سالگی بوده و گذر از ۱۵ سالگی، به معنی کاهش قطعی فرصت برای ازدواج دختر بوده است. در حال حاضر، معیار سنی مورد قبول جامعه در انتخاب دختران برای ازدواج، ۲۰ سال است.

گاهی نیز بعد از برگزاری جلسه خواستگاری، به دلایلی ازدواج دختر و پسر انجام نشده است. در این وضعیت، به سرعت شایعاتی درباره دختر مذکور گفته شده و شانس ازدواج او با فردی دیگر در آینده، بسیار کاهش یافته است. حرف‌ها و شایعات مردم، عامل بسیار مهمی در تجرد دختران فوق است و گاهی مانع ازدواج دختری تا پایان عمر می‌گردد. در حال حاضر نیز این وضعیت وجود دارد. اگر بعد از برگزاری جلسه خواستگاری، به هر دلیلی جلسه بعد برگزار نشود، شایعاتی درباره عدم صلاحیت دختر بیان می‌شود.

«محیط روستا خیلی کوچک و یک حرفی زود به گوش همه میرسه، این هم خوب و هم بد. خوب از این نظر که تو خانواده‌ای کسی فوت کنه یا دعوا بشه یا دزد حمله کنه، همه می‌فهمند و به هم کمک می‌کنند، از این نظر هم بد که بعضی چیزها را نباید همه بدانند. اگر تو خانواده‌ای کسی اشتباهی می‌کنه یا خواستگاری میاد و نزدیک ازدواج به هم می‌خوره، همه حرف در میارن و این واسه خانواده، مایه ننگ محسوب میشه و ساده از این مسئله نمی‌گذرنند، میگن که حتماً دختر ایرادی داشته که به هم خورده. به خاطر همین حرف‌ها شاید تا چند سال بعد یا تا ابد هیچ خواستگاری برای دختر نیاید» (۱۱).

کدورت شخصی با یکی از اعضای خانواده دختر نیز در عدم ازدواج دختران و در نتیجه طرد آن‌ها مؤثر است. عوامل دیگری مانند زیبایی، ثروت خانواده، قدرت و نفوذ اجتماعی خانواده نیز مهم است. بدیهی است دختری که از خانواده‌ای متمکن است، تا قبل از گذر از معیار سنی مورد قبول جامعه، موجبات ازدواج او فراهم می‌شود.

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

شکل (۱): طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد (۳۰ سال و بیشتر)



### وضعیت کنونی طردشدگان و پیامدهای طرد آن‌ها

از دختران مجرد برای عبرت سایر دختران روستایی یاد می‌شود. اگر دختران مذکور در مراسمی از قبیل عروسی، عزاء، سفره‌های نذری، پخت نذری یا هر تجمع دیگری حضور داشته باشند، نگاه‌های

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

سایرین (ترحم‌آمیز، سرزنش‌آمیز، متعجبانه) معطوف آن‌ها خواهد بود. برخی زنان، به ویژه زنان مسن، با تعجب فراوان به آن‌ها می‌نگرند. حتی عده‌ای با انگشت اشاره، آن‌ها را به یکدیگر نشان می‌دهند.<sup>۱</sup> این وضعیت به وضعیتی شباهت دارد که گافمن از آن با عنوان «داغ بی‌اعتباری» (ریتزر، ۱۳۸۱: ۲۹۸) یاد می‌کند. وضعیت فوق، موجب عدم حضور یا حضور کم دختران در اجتماع می‌شود. آن‌ها به ندرت در اجتماعات و مراسم روستا، جاده‌ها و کوچه‌های روستا، و کنار درب منزل<sup>۲</sup> مشاهده می‌شوند.

«روستا یک خوبی دارد و آن این که تو روستا، خیر از احوال همدیگه دارند. این خوبه که خبر از احوال هم دارند، ولی کار به کار هم دارند، آن دیدی [دیدگاه] که دختر آنجا [خانه] مانده، خیلی بد» (۲). «مردم حرف می‌زنند، میگن ازدواج نکرده» (۴). «مردم برای دخترانشان مثال می‌زنند، میگن فلانی را ببین. فلانی امکانات زندگی دارد، ولی شوهر نکرده، ببین چطوری شد. نمونه میارن، خیلی بد» (۲). «میگن سخت‌پسند بودند، [تو خانه] ماندند، این‌ها هم خیلی خواستگار داشتند، [به بختشان] لگد زدند، [تو خانه] ماندند، شما خواستگار رد نکنید [تا مانند آن‌ها نشوید]» (۳).

«از خانه بیرون نمیرن، معذب‌اند.... کمتر وارد اجتماع میشن، کمتر بیرون میرن، مثلاً دخترهای هم سن و سال ما بیشتر سر دروازه [در منزل] شاید بمانند، صحبت کنند با دوستانشان، ولی آن‌ها کمتر» (۲) .... «وارد شهر شاید بشن، اما تو مراسم‌های روستا خیلی کمتر شرکت می‌کنند، مثلاً مراسم‌های عروسی، جشنی باشه، کمتر میرن» (۳).

برخی شایعاتی درباره دختران مذکور می‌گویند. اگر کدورتی بین خانواده‌ای با خانواده دختران مذکور پدید آید، بدگویی درباره دختران فوق و خانواده‌شان و تمسخر و تحقیر، از شدت بیشتری برخوردار می‌شود. حتی شنیده شد که اگر جر و بحثی بین خانواده‌های فوق آغاز شود، یکی از خانواده‌ها با کنایه و طعنه درباره عدم ازدواج دختر خانواده دیگر صحبت می‌کند. در واقع، عدم ازدواج دختران مذکور، موجبات تحقیر و سرزنش خانواده‌شان را در جامعه فراهم می‌کند.

«یا مثلاً با هم دعوا می‌کنند یا با هم بحث می‌کنند میگن آه ببین خدا چطور سرش میاره، دخترش مونده تو خانه، این حرف‌ها را بهش می‌زنند. پدر و مادرها به همین خاطر ناراحت میشن از اینکه دختری خواستگار نداره یا به دختر میگن کسی تو رو نمیخواد» (۴). «تو اگر آدم خوبی بودی که دخترت خونه نمی‌مونه. ببخود نیست دخترت تو خونه مانده» (۴) و (۶). «دو تا خواهرزند، یکی میره کلاس ... یاد می‌گیره، بزرگ هم خونه‌ست، کارهای خانه را انجام میده، همینطوری دیگه ماندند، حدود چهل و پنج سالشون» (۱۵). «تو خونه موند» (۲) و (۳).

۱ برگرفته از مشاهدات نگارنده که در همراهی با دختران مذکور در مسجد، امامزاده، مینی‌بوس، مراسم سفره نذری، و عروسی داشته است.

۲ عصرها یا زمانی که فروشنده دوره گرد برای فروش کالا به روستا می‌آید.

عبارت «تو خونه موند» جمله مشهور و کلیدی سایر مردم درباره دختران مذکور است که برای برخی خانواده‌ها، بسیار ناخوشایند است. انزوای دختران یادشده، لطمه به عزت نفس، شرم، ضعف اعتماد به نفس، رنج، افسردگی، سرزنش از سوی والدین، و سرزش خود، از پیامدهای وضعیت مذکور است.

اقوام و دوستان دختران فوق، به آن‌ها ترحم می‌کنند. آن‌ها برای ازدواج سریع‌تر این قبیل دختران، دعا و نذر می‌کنند. در مراسم سفره نذری، توجه خاصی به دختران فوق می‌شود.<sup>۱</sup> خانواده‌ها و اقوام دختران فوق، بسیار نگران آینده آن‌ها هستند در واقع، یکی از رنج‌های والدین، عدم ازدواج دخترشان است. نحوه گذران زندگی آن‌ها در آینده (سرپناه و تأمین معیشت)، مشکلات ناشی از تنهایی و عدم تشکیل خانواده، از موارد نگران‌کننده است. یکی دیگر از مسائل، نگرانی خانواده‌ها و اقوام دختران از حرف مردم است. وقتی والدین از حرف‌های مردم مطلع می‌شوند، آن‌ها را به دختران خود انتقال می‌دهند و بیشتر به سرزنش آن‌ها می‌پردازند. دختران به خوبی شرم والدین و اقوام در برابر سایرین را احساس می‌کنند و این وضعیت نیز بر شرم و نارضایتی بیشتر آن‌ها می‌افزاید. والدین مذکور به دلیل نگرانی و ناراحتی از حرف مردم و شرم بسیار، گاهی دختر را به ازدواج با مردی مسن، بسیار جوان‌تر، متأهل یا معتاد و غیره مجبور می‌کنند.

«این دخترهایی که تو خونه‌اند، بیشترین رنجشان، حرف مردم، بیشتر حرف مردم. پدر مادرهاشون هم اگر چیزی میگن به خاطر حرف مردم، مردم زیاد حرف می‌زنند» (۷). «عروس حداکثر بیش از پنج سال از داماد بزرگ‌تر نباشد»<sup>۲</sup> (کمیته امداد امام خمینی (ره) رضوانشهر، ۱۳۹۲).

علاوه بر این، والدین و اقوام، بین دختران فوق با دختران متأهل تبعیض قائل می‌شوند. به طوری که به دختران متأهل، بیشتر احترام می‌گذارند، مشتاق به دیدار آن‌ها هستند و به آن‌ها بیشتر افتخار می‌کنند. در چنین وضعیتی، دختران مجرد بیشتر احساس تنهایی می‌کنند.

۱ در مراسم سفره، پارچه‌ای سبزرنگ، روی سفره پهن می‌شود. در چند سفره نذری، مشاهده شد که در پایان مراسم، پارچه مذکور را به سر و صورت دختران مذکور می‌زنند. اشک‌های دختران مجرد بالاتر از ۳۰ سال در چنین لحظاتی، شاید بیانگر رنج ناشی از شرم، تنهایی، نگرانی، لطمه به عزت نفس باشد. پارچه مذکور به سر و صورت دختران مجرد نوجوان نیز زده می‌شود تا آن‌ها در آینده ازدواجی موفق داشته باشند.  
۲ از شرایط اعطای جهیزیه به نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) است.



### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

این دسته از دختران عمدتاً همراه با والدین مسن خود زندگی می‌کنند. آن‌ها علاوه بر مسئولیت رسیدگی به والدین مسن، انجام همه کارهای خانه، پذیرایی از مهمانان، زراعت و دامداری، باید سرزنش‌های والدین را نیز تحمل کنند. آن‌ها فرصتی برای شادی و تفریح ندارند و به تدریج، دچار رخوت، سکون و افسردگی می‌شوند.

«کار دام و بیجار [شالیزار] و خونه، همه چیز روی دوش اون» (۴). «خوب کار خونه هست یا مامانش مریض، خوب همه کارها روی دوش آن دیگه، اگر خونه نباشه، خونه‌شان نمی‌چرخه» (۶).

آن‌ها به شدت احساس تنهایی می‌کنند و در صورت تداوم وضعیت مذکور، هیچ‌گاه موفق به تشکیل خانواده نخواهند شد. بديهي است در دوران کهنسالی، تحمل تنهایی برای آن‌ها دشوارتر از گذشته خواهد بود.

«نسلی ندارند، نسل نداشته باشند، خوب نیست. عصایی ندارند. خدای نکرده، مریض باشند، کسی را ندارند، بچه حتماً باید باشه، بچه یک آب میده دستش، دارو میده دستش، عصابی دستش، او را میبره دستشویی، بره چشمه یک آب بیاره. در زندگی زحمت می‌کشه، پولی در میاره، به جای اینکه بچه استفاده کنه، دشمن استفاده می‌کنه، دشمن که عصابی دست نیست، خدا هیچ کس را بی‌نسل نکنه» (۱).

دختران مذکور از حمایت شبکه درون گروهی (عمدتاً حمایت عاطفی) برخوردارند. آن‌ها از اعضای خانواده، خویشاوندان و دوستان حمایت عاطفی دریافت می‌کنند. حفظ پیوندهای قومی و خویشاوندی و حمایت عاطفی از یکدیگر در بین افراد تالشی بسیار اهمیت دارد. معیشت و حمایت‌های مالی و مادی نیز در وهله اول توسط والدین و در صورت از دست دادن آن‌ها توسط برادر تأمین می‌شود.

«بعضی‌ها خانواده‌شان، [آن‌ها را] ننگه می‌دارند، مثلاً داداش و زن داداش، آن‌ها را ننگه می‌دارد، بعضی‌ها هم تنه‌بند، یا اگر با فامیل هستند، آن جور که باید آن‌ها را ننگه نمی‌دارند، چهل سال دیگه خیلی سن، برای خودشان نمی‌توانند درآمدی داشته باشند، مشکل دارند» (۱۶). «فعالاً حقوق باباشون هست، اما مادرش بمیره، دیگه آن مستمری نمی‌گیرند» (۱۵). «بعضی‌هاشون، باباشون کارمند بوده، فوت شده، حقوق دارند. ولی فقط تا وقتی مادر زنده باشه» (۲).

برخی دختران عمدتاً قطعه زمین کوچکی<sup>۱</sup> دارند تا از آن امرار معاش کنند، ولی به هر حال برای کشت آن به سرمایه و کمک نیاز است. دخترانی که همراه با مادر مسن خود یا به تنهایی زندگی

۱ در جامعه مذکور، عمدتاً برای دختران ارث در نظر گرفته نمی‌شود. فقط عده معدودی از خانواده‌ها برای دختران خود ارث در نظر می‌گیرند.

می‌کنند، برای انجام کارهای دامی و زراعی<sup>۱</sup> مردانه یا تعمیرات منزل، ترجیحاً از خویشاوندان نزدیک یا افراد مورد اعتماد و معرفی شده از طرف خویشاوندان کمک می‌گیرند و با پرداخت مبلغی (به فرد مورد اعتماد) یا اعطای فرآورده‌های دامی و زراعی (به خویشاوندان) کمک آن‌ها را جبران می‌کنند. باین حال، در مجموع، نبود سرپرست مرد، گذران زندگی را برای آن‌ها دشوار می‌کند. برای مثال، اگر خانه، کنار جاده و دور از سایر خانه‌های روستا باشد و چند دام نیز در طویله نگهداری شود، نگرانی و ترس از دزد، به ویژه هنگام شب وجود دارد.<sup>۲</sup>

«یک وقت ... مریض بشه، ۲ نیمه شب، از کجا مطمئن باشم به یک تاکسی زنگ بزنم بیاد، چطور اطمینان کنم؟ من زنم، ... هم زن، اگر مریض بشه، خودم چطور او را از پله بالا ببرم. نمی‌توانم به مرد نامحرم هم بگم که اون بالا بیره... یک وقت هست که مهمان داری، کارهایت فشرده، فرصت نان پختن نداری، شوهر باشه، بچه باشه، میره نان میخوره، شوهر سر راه نان میخوره، شوهر کمک دستات است... ما چون تو خونه مرد نداریم، برای همه چی باید کارگر بگیریم، پول بدیم، برای درست کردن مرز، کودپاشی، سم‌پاشی بچار، درو» (۱۲).

دختران یادشده به جز حوزه خانواده و خویشاوندی، چند کلاس در مدرسه، و به ندرت حوزه همسایگی، فضای اجتماعی دیگری را تجربه نکرده‌اند. عمده وقت آن‌ها در خانه سپری می‌گردد و صرف انجام کارهای خانه می‌شود. اگر به جز فعالیت زراعی و دامی شغل دیگری داشته باشند، عمدتاً خیاطی است که آن نیز در خانه انجام می‌شود. در ضمن، در خصوص خروج دختران از خانه محدودیت‌های فرهنگی فراوانی وجود دارد. احتمال بیان شایعاتی برای این دسته از دختران، بسیار بیشتر از سایر دختران است. آن‌ها حتی برای نوشیدن چای و گفتگویی مختصر به منزل همسایه نمی‌روند. خروج دختران از منزل (به تنهایی) صرفاً زمانی در جامعه پذیرفته شده است که شاغل باشند.<sup>۳</sup> اگر ضرورتی ایجاب کند که آن‌ها به تنهایی بیرون روند (برای مثال یادگیری مهارت، بازار، مهمانی) همواره نگران هستند که مردم شایعاتی درباره آن‌ها بگویند. حتی فرد شاغل نیز این نگرانی را دارد. دختران صرفاً همراه مادر یا سایر اعضای خانواده و اقوام از منزل بیرون می‌روند. بدین ترتیب،

۱ کارهای زراعی مردانه عبارت است از شخم زدن زمین، پیشکاول (مسطح کردن شالیزار بعد از شخم)، ترمیم مرزهای شالیزار، کودپاشی، سم‌پاشی، آبیاری شالیزار در زمان‌های مختلف، حمل کیسه‌های شلتوک، خرمن‌کوبی و غیره.

۲ نگارنده سه شب در چنین خانواده‌ای اقامت کرده است.

۳ که تعداد آن‌ها در بین دختران سی سال و بیشتر، بسیار اندک بود.

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

آن‌ها فاقد پیوند بین گروهی با افرادی خارج از شبکه درون‌گروهی هستند و در نتیجه از برخی حمایت‌ها محروم‌اند.

«یک دلیل دیگه که از خانه بیرون نمیان، حرف‌های مردم، اگر از خانه بیرون بیان، برایشون حرف درمیان» (۴).

غبطه به افراد متأهل، رنج، لطمه به عزت نفس، ضعف اعتماد به نفس و افسردگی در بین دختران مذکور بیشتر شایع است که با توجه به مطالب مذکور، دلایل آن کاملاً مشخص است. احتمال ابتلاء به برخی بیماری‌های جسمی یا شدت و طول مدت درمان برخی بیماری‌ها در دختران مذکور، بسیار بیشتر است. زیرا روحیه آن‌ها در مقایسه با دختران دیگر آسیب‌پذیرتر است. علاوه بر این، پیری زودرس نیز در دختران مذکور به نحو بارزی مشهود است که با توجه به وضعیت یادشده، دلایل آن کاملاً بارز است. برخی از آن‌ها، احساس پشیمانی می‌کنند. آن‌ها به دلیل مشکلات ناشی از تجرد، گاهی از بیان پاسخ منفی به خواستگاری نامناسب در زمان‌های گذشته، پشیمان هستند و خود را سرزنش می‌کنند.

«من هم به بخت خودم لگد زدم، سنم کم بود، ده سالم بود که برادرشوهر خواهرم آمد خواستگاریم، پانزده سال از من بزرگ‌تر بود، خوب من آن موقع بچه بودم، نمی‌فهمیدم. همان موقع، یکی دو تای دیگه هم آمدند که نرفته بودند سربازی، یکی از آن‌ها خانواده‌اش پرجمعیت بود، ترسیدم برم تو آن خانواده، کار خانه و مزرعه هم زیاد داشتند» (۱۲).

برخی از آن‌ها به دلیل فشار اجتماعی بسیار زیاد، با مردی بسیار مسن یا جوان‌تر از خود ازدواج می‌کنند. بدین ترتیب، ظاهراً مشکلات ناشی از عدم ازدواج حل می‌شود، اما مشکلات دیگری به دلیل اختلاف سنی فراوان میان آن‌ها رخ می‌دهد.

«یک همسایه داریم، کارمنای، تازگی ازدواج کرده، [دختر] حدود ۳۸-۴۰ سالش، پسر سرباز، ۲۲، ۲۳ سالش، ولی دختر ۳۸ یا ۴۰ سال سن داره، قرارداد کردند، تمام شد. دختر سنش خیلی بالاست» (۱۳).

خانواده‌های دیگر با مشاهده وضعیت دختران مذکور، در خصوص ازدواج و وضعیت زندگی دختران نوجوان خود در آینده نگران می‌شوند. بنابراین، برخی از آن‌ها برای پیشگیری از بروز چنین وضعیتی، تمایل بسیاری به ازدواج زودهنگام دختران خود (در سنین ۱۳-۱۴ سالگی) دارند و حتی در

برخی موارد، به ازدواج دختران نوجوان خود با مردانی نامناسب مانند افرادی معتاد، بیکار و غیره رضایت می‌دهند که پیامدهای منفی دارد<sup>۱</sup>.

هر چه محیط زندگی دختران مذکور، کوچک‌تر و سطح آگاهی جامعه کمتر باشد، وضعیت فوق نیز بیشتر مشاهده می‌شود. پدیده طرد اجتماعی دختران روستایی از ویژگی‌هایی مانند میزان، شدت و دوره زمانی نیز برخوردار است. با توجه به ارزش‌های فرهنگی جامعه مورد بررسی، نگرش‌های آن‌ها درباره دختران و سن ازدواج، ممکن است در آینده، این پدیده از میزان و شدت بیشتری برخوردار شود. البته با این تفاوت که پدیده فوق، عمدتاً در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه مشاهده گردد. گرایش به تحصیل دختران در دانشگاه در مقایسه با سال‌های گذشته افزایش یافته است که خود در به تأخیر افتادن ازدواج، گسترش برخی شایعات به دلیل ورود دختران به جامعه‌ای بزرگتر و غیره مؤثر است.

### نتیجه‌گیری

در جامعه مورد بررسی، ازدواج مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اجتماعی زنان محسوب می‌شود و افرادی که از این هنجار تبعیت نکنند، به شدت تحت تأثیر نهادهای غیررسمی جامعه طرد می‌شوند. مسائلی در نتیجه تجرد و به تبع آن، طرد دختران یادشده پدید آمده است. از آن‌ها برای عبرت سایر دختران نوجوان یاد می‌شود؛ نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز و شایعات معطوف آن‌هاست. ترحم، نذر و دعای اقوام و دوستان؛ نگرانی والدین، اقوام و دختران از آینده؛ نگرانی و ناراحتی والدین، اقوام و دختران از حرف مردم؛ تبعیض بین دختران متأهل و مجرد؛ وابستگی معیشت آن‌ها به والدین یا سایر خویشاوندان نزدیک؛ احساس تنهایی؛ شرم؛ ترس؛ و انتظار پدیده‌های مورد مشاهده در وضعیت کنونی است که پیامدهای آن افسردگی، رنج، بیماری جسمی، انزوا، روابط اجتماعی ضعیف با سایر افراد اجتماع محلی (خارج از دایره خانواده و خویشاوندان)؛ ضعف مشارکت در اجتماع به منظور حضور در مراسم ده، اشتغال، یادگیری مهارت و گذران اوقات فراغت است. آن‌ها علاوه بر تجرد و طرد

۱ برخی مقوله‌ها، پیامد چندین وضعیت و برخی صرفاً پیامد یک وضعیت خاص است. مقوله‌هایی مانند شرم، افسردگی، پشیمانی، غبطه، سرزنش خود و در نهایت، بیماری جسمانی پیامد بسیاری از وضعیت‌های مذکور است.

### طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد ...

اجتماعی و مسائل ناشی از آن، دچار سایر اشکال محرومیت مانند فقر درآمدی و در نتیجه وابستگی به دیگران، کم‌سودی، و عدم اطمینان درباره آینده هستند که بیانگر چندبعدی بودن پدیده طرد اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش حاضر درباره برخی ابعاد طرد اجتماعی دختران، مشابه با یافته‌های بررسی فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ الف) است. به طوری که در جامعه مذکور نیز دختران طرد از شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی، طرد از مشارکت اجتماعی، شرمساری اجتماعی، شرم حضور در جمع و مشاهده رفتارهای طعنه‌آمیز یا طردکننده را تجربه می‌کنند. اما طرد ناشی از بی‌خانمانی یا بدخانمانی، و طرد ناشی از حمایت نهادی - که در بررسی فیروزآبادی و صادقی در بین زنان سرپرست خانوار مشاهده گردید- در جامعه مورد بررسی ملاحظه نگردید که دلیل آن، تجربه نکردن بی‌خانمانی یا بدخانمانی در بین دختران مذکور است. در ضمن، در حال حاضر، حمایت نهادی از دختران مجرد واقع در سنین بالا در کشور وجود ندارد.

در جامعه مورد بررسی فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ الف) عمده عامل طرد زنان، فقر آنهاست. اما دختران یادشده به دلیل تجرد، طرد را تجربه می‌کنند. آنها با هر میزان تحصیلات، ثروت و حتی در صورت برخورداری از شغل، تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند، مطرود محسوب می‌شوند. زیرا ازدواج مهم‌ترین مؤلفه توانمندی زنان در زندگی محسوب می‌شود و امکان ادغام فرد مجرد در جریان عادی زندگی اجتماعی مهیا نیست.

آنها در صورت اشتغال، پیوندهای بین‌گروهی ضعیفی دارند و جامعه آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. این یافته، مغایر با یافته‌های پژوهش فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ ب: ۱۱۱) است که در آن فعالیت زنان در بازار کار موجب تقویت پیوندهای بین‌گروهی‌شان شده و آنها را از حمایت، شعاع حمایتی گسترده‌تر و منابع حمایتی بیشتری برخوردار کرده است. هم‌سو با بررسی فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ ب: ۱۱۲)، اشتغال دختران در افزایش روابط اجتماعی آنها مؤثر نبوده که در مطالعه مذکور، عواملی مانند جنسیت، بیوه بودن، و موقعیت پیچیده آنها در روابط اجتماعی و در بررسی حاضر، عدم ازدواج دختران بر محدودیت روابط اجتماعی آنها مؤثر بوده است.

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

طرد اجتماعی دختران یادشده در نهادهای غیررسمی جامعه روستایی (باورها) ریشه دارد و کوچکی محیط زندگی و حاکمیت روابط چهره به چهره و غیررسمی در جامعه مذکور در تبدیل تجرد به مهم‌ترین مسئله دختران مذکور بسیار مؤثر است. در حالی که در شهرها که روابط خویشاوندی در حد بسیار زیادی وجود ندارد و روابط عمدتاً به نوع غیرشخصی<sup>۱</sup> مبدل شده است، حداقل بار روانی این موضوع کمرنگ شده است. البته این بدان معنا نیست که دختران مجرد (۴۰ سال و بیشتر) در شهر با مسائلی مواجه نیستند. اما به هر حال به دلیل غلبه روابط غیرشخصی در شهر، آن‌ها در مجامع چندان مورد توجه نیستند و تجرد مسأله اصلی زندگی بسیاری از آن‌ها محسوب نمی‌شود.

### پیشنهاد‌های پژوهش

نگاه‌ها و کلام تحقیرآمیز، سرزنش‌آمیز، و طعنه‌آمیز، ترحم، گسترش شایعات و غیره به ضعف اعتماد به نفس، شرم و انزوای بیشتر دختران مذکور می‌انجامد. آموزش‌هایی به منظور تغییر نگرش جامعه به این گروه جمعیتی جدید ضرورت دارد تا زمینه و بستر جذب آن‌ها در جامعه فراهم شود، میزان طرد آن‌ها کاهش یابد و آن‌ها نیز همانند سایر گروه‌های جمعیتی در حوزه‌های مختلف زندگی در اجتماع محلی مشارکت داشته باشند.

گرچه برخی از دختران مذکور در حال حاضر سرپرست (والدین) دارند یا از حمایت‌های برادر برخوردارند، اما این وابستگی به عزت نفس آن‌ها لطمه می‌زند. در ضمن، با از دست دادن حامیان مذکور، معیشت آن‌ها به خطر می‌افتد. دختران مجرد به ویژه آن دسته از دختران کم‌سواد، فاقد شغل و درآمد نیازمند توجه نهادهای حمایتی هستند. توانمندسازی و بیمه آن‌ها ضرورت دارد. آن‌ها با یادگیری مهارت و برخورداری از امکانات لازم برای راه‌اندازی کسب و کار می‌توانند از عهده تأمین معاش خود برآیند و از وابستگی‌های رهایی یابند.

گروه‌های جمعیتی دیگری نیز وجود دارد که طرد آن‌ها نیز چندان مشهود نیست. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی طرد گروه‌های مذکور مورد بررسی قرار گیرد.

1 Impersonal

## منابع و مأخذ

- ارشدی، نسرين، پیریایی، صالحه و زارع، راضیه (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده صفات شخصیتی در رابطه بین ادراک طردشدگی در محیط کار و رفتارهای انحرافی محیط کار. علوم رفتاری، ۶(۳)، ۲۲۱-۲۳۰.
- بیرامی، منصور و اسمعیلی‌کوران، احمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ریشه‌های تحولی (شیوه‌های فرزندپروری) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل در مدل طرحواره یانگ. پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۷(۲۸)، ۷۱-۸۸.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زیرا، مارتین (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی. ترجمه حسن حسینی. تهران: آن.
- صدیق سروستانی، رحمت‌ا... و نصراصفهان، آرش (۱۳۸۹). اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن خوابی در شهر تهران؛ پژوهشی کیفی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۴)، ۱-۱۸.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۹). چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطرودیت اجتماعی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴، ۳۶-۶۷.
- فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی؛ بررسی موردی: روستای چک‌چوچه‌پشت از توابع شهرستان رضوانشهر (رساله دکتری در رشته توسعه اجتماعی روستایی با راهنمایی دکتر مهدی طالب و دکتر محمود متوسلی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹ الف). وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۱)، ۱۴۳-۱۷۴.
- فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹ ب). مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۲)، ۹۳-۱۱۴.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- یزدخواستی، فریبا و قاسمی، سحر (۱۳۹۰). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آنها.

- Abe Aya K. (2010). Social Exclusion and Earlier Disadvantages: An Empirical Study of Poverty and Social Exclusion in Japan. *Social Science Japan Journal*, 13(1), 5-30.
- Abrams, Dominic & Killen, Melanie (2014). Social Exclusion of Children: Developmental Origins of Prejudice. *Journal of Social Issues*, 70(1), 1, 1-11.

- Alcock, Pete (2012). *Poverty and Social exclusion in Pete Alcock, Margaret May and Sharon Wright (eds.). The Students Companion to Social Policy (180-186)*. Wiley-Blackwell.
- BAYRAM, NURAN, AYTAC, SERPIL, AYTAC, MUSTAFA, SAM, NESLIHAN, BILGEL, NAZAN (2012). Poverty, Social Exclusion, and Life Satisfaction: A Study From Turkey. *Journal of Poverty*, 16, 375–391.
- Bennett, Mark (2014). Intergroup Social Exclusion in Childhood: Forms, Norms, Context, and Social Identity. *Journal of Social Issues*, 70(1), 183-195.
- Chen, Honglin (2012). A Study of Older People with Disability: Evidence from Two Cosmopolitan Cities. *Ageing Int*, 38: 328–342.
- Levitas, Ruth (2008). *The concept of social exclusion and the new durkheimian hegemony in David Byrne. Social Exclusion; Critical Concept In Mobility Sociology (314-327)*. Vol I Social Exclusion – the History and Use of a Concept.
- Lightman, Naomi and Good Gingrich, Luann (2012). The Intersecting Dynamics of Social Exclusion: Age, Gender, Race and Immigrant Status in Canada's Labour Market. *Canadian Ethnic Studies*, 44(3), 121-145.
- Mannila, Simo and Reuter, Anni (2009). Social Exclusion Risks and their Accumulation Antwerp among Russian-Speaking, Ethnically Finnish and Estonian Immigrants to Finland. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 35(6), 939\_956.
- Poucki, Sasha & Bryan, Nicole (2014). Vulnerability to Human Trafficking among the Roma Population in Serbia: The Role of Social Exclusion and Marginalization. *Journal of Intercultural Studies*, 35(2), 145-162.
- Puschmanna, Paul, Grönberg, Per-Olof, Schumacher, Reto & Matthijsa, Koen (2013). Access to marriage and reproduction among migrants in Antwerp and Stockholm. A longitudinal approach to processes of social inclusion and exclusion, 1846–1926. *The History of the Family*, 19(1), 29–52.
- Shaaban, Safaa (2011). A Conceptual Framework Review of Social Exclusion, and its Relation with Social Cohesion and Poverty in Europe. *The International Journal of Diversity in Organisations, Communities and Nations*, 11(1), 117-131.
- Silver, Hilary (2008). *Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms in David Byrne. Social Exclusion; Critical Concept In Mobility Sociology (262-313)*. Vol I Social Exclusion – the History and Use of a Concept.
- Social Exclusion Unit (2008). Social Exclusion and Why It Matters In David Byrne. *Social Exclusion; Critical Concept In Mobility Sociology (333-347)*. Vol I Social Exclusion – the History and Use of a Concept.
- Ying, Li & Chui, Ernest (2010). Governmental Policy and Social Exclusion of Rural Migrants in Urban China. *Asian and Pacific Migration Journal*, 19(2), 295-306.